

شکست های بازدارنده!



سیدمحمدرضا مرتضوی*

اکنون که پنجاه روز از دفاع مشروع ملت مظلوم فلسطین در روز هفتم اکتبر تحت عنوان طوفان الاقصی گذشته است، روشن‌تر می‌توان به دستاوردهای حمله حماس پی برد.

ستاوردهایی که در واقع بیش از هر چیز در شکست های پی در پی رژیم صهیونیستی در عرصه های مختلف قابل مشاهده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود؛ نخستین شکست، شکست اطلاعاتی و امنیتی بود. رژیم اشغالگر قدس علیرغم اینکه همیشه یکی از برتری های مزیتی خود را سیطره اطلاعاتی و امنیتی اش معرفی می کرد، اما با حمله حماس و غافلگیری همه جانبه و غیرمنتظره ای که برای اش ایجاد شد، شکستی مفتضحانه را تجربه کرد که برای مدت ها نخواهد توانست سطح بازدارندگی خود را به روزهای قبل از هفتم اکتبر بازگرداند.

دومین شکست این رژیم، باخت بزرگی بود که در میان افکار عمومی جهان برای اش رقم خورد. این مساله

الف) قبل از هرچیز توجه به این نکته ضروری است که پس از هفتم اکتبر در میان برخی ملت های غربی، نوعی همدردی با ساکنان اراضی اشغالی ایجاد شد. در واقع بخشی از شهروندان کشورهای غربی از آنچه توسط حماس رخ داده بود - بدون توجه به پیشینه جنایات رژیم صهیونیستی - شوکه شده بودند و به نوعی تحت تاثیر القای دولت هایشان، سعی کردند نسبت به تلفات انسانی حمله حماس در اراضی اشغالی واکنش نشان دهند و با ادعاهای گزاف دولت هایشان مبنی بر تروریستی بودن گروه حماس همراهی کنند اما با حمله وحشیانه نیروهای اشغالگر به غزه و به خصوص بمباران بیمارستان المعمدانی بار دیگر در افکار عمومی جهانیان و همینطور شهروندان کشورهای غربی، ورق به نفع فلسطینیان مظلوم و جریان مقاومت آنها با محوریت حماس برگشت.

ب) دومین نکته در اهمیت این مساله اما به اصل بازگشت فلسطین به عنوان یک مساله، بلکه اصلی ترین مساله در افکار عمومی جهان مربوط می شود. به این معنی که مدت ها بود دیگر فلسطین و جنایات رژیم اشغالگر قدس در آن، از مدار توجه جهانیان خارج شده بود و جنایات اسراییل پس از هفتم اکتبر در غزه بار دیگر فلسطین را به مساله مردم جهان در شرق و غرب عالم تبدیل کرد و شاید هیچ زمان صدای فلسطینیان به این بلندی و رسایی در جای جای جهان شنیده نشده باشد که امروز شنیده می شود.

افکار عمومی در جهان امروز حتما متغیری مهم و سیاست ساز است که هیچ دولت و رژیمی نمی تواند تاثیر آن را در نظر نگیرد. زلزله ای که در دولت انگلیس در هفته های اخیر شاهد بودیم، بخشی از همین تاثیر گذاری محسوب می شود. آری، دیگر گذشت زمانی که تاریخ را فاتحان می نوشتند و دنیای امروز شرایطی به غایت متفاوت از سال ۱۹۴۸ دارد که دولت ها بتوانند با قلدری و بدون در نظر گرفتن واکنش ملت ها هرآنچه می خواهند را انجام دهند.

لذا تدابیری که با بی تدبیری تمام از سوی رژیم صهیونیستی رقم خورد و جنایاتی که آنها در این ۵۰ روز انجام دادند در عمل جز رسوایی بیشتر و تصاعد نفرت عمومی در سطح جهان، دستاورد دیگری عایدشان نکرده است و حقیقتا یادآور سرانجام و سرنوشت فرعونیان است که به خطا تصور می کردند با اعمال جنایات بیشتر می توانند از سقوط حتمی و قطعی خود جلوگیری کنند «إِنََّّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمْ مَّا كَانَ لَوْ أَنَّ خَاطِئِيْنَ» آری، فرعون و هامان و لشکریان آنها خطاکار بودند» (قصص/۸).

سومین شکست رژیم صهیونیستی اما در حوزه اقتصاد است؛ از بین رفتن بازدارندگی این رژیم و تنزل فاحش

سطح آن طبیعتاً موجب افزایش بی سابقه سطح بی اعتمادی سرمایه گزاران در این رژیم اشغالی شده که تبعات آن حتماً در آینده بیشتر روشن خواهد شد. علاوه بر این فراخوان نیروهای ذخیره و فرستادن آنان به میدان جنگ یا نگهداریشان در وضعیت آماده باش، به معنای تعطیلی بسیاری از کسب و کارها و ادارات است که البته معلوم نیست تا چه زمانی هم تداوم داشته باشد. لذا بحران اقتصادی در سرزمین های اشغالی چیزی نیست که دولت فشل و بدون پشتوانه بنیامین نتانیا هو بتواند آن را رد کند؛ حتی اگر فرض کنیم بحران های متعدد دیگر در حوزه های امنیتی، نظامی، بین المللی و سیاسی را بتواند پشت سر گذارد.

*معاون امور بين الملل مجمع جهانى تقريې مذاھب اسلامى